

## مقدمه

نکته ای که داوطلبان گرامی باید بدان توجه کنند، این است که طراح سوال درس "متون حقوقی به زبان انگلیسی" سنجش دانش حقوقی شما یا دانش حقوقی شما به زبان انگلیسی نیست، بلکه هدف سنجش قدرت درک مطلب شما از یک متن است، که اتفاقاً متن هم حقوقی است.

جزوه‌ی پیش رو تلاشی است برای آشنایی شما با رویه‌ی طرح سوالات متون حقوقی در سال‌های اخیر، که در آن طراح سوال پنج متن نسبتاً بلند با موضوعات حقوقی می‌نویسد و سپس فهم شما از آن متن را می‌سنجد. نتیجه اینکه شما هرگونه اطلاعاتی که نیاز دارید را در متن خواهید یافت و شما باید قدرت استنباط و درک مطلب را برای پاسخگویی به سوالات، ارتقاء دهید. که این امر مستلزم گنجینه‌ی لغات وسیع و گرامر در سطح متوسط است که یک جزوه در سطح دبیرستان هم نیازهای شما را برطرف خواهد کرد.

در ادامه می‌خواهم نکاتی را به داوطلب عزیز ارائه دهم که برای حصول نتیجه‌ی بهتر لازم است داوطلبان عزیز را به دو گروه ضریب یک و ضریب دو تقسیم کرد. هدف و مبنای این تقسیم بندی آن است که داوطلبان گرایش‌هایی مانند حقوق خصوصی و حقوق جزا و بسیاری دیگر از گرایش‌ها که درس متون حقوقی ضریب یک دارد و اکثر داوطلبان به دلیل اهمیت کم آن و ناآشنایی و ترس از غول زبان انگلیسی آن را سفید رها می‌کنند، اما تجربه‌ی سال‌های اخیر نشان داده است با کمی اعتماد به نفس و دقت و تلاش میتوان از حداقل تا حداکثر نتیجه‌ای که میتواند سرنوشت شما را تغییر دهد را به دست آورد، چرا که در پرسش‌ها برخی سوالات که پاسخ‌گویی به آنها بسیار آسان است گنجانده شده که داوطلب گرامی میتواند به آنها پاسخ بدهد و نمره‌ی خود را تا ۴۰٪ افزایش دهد که تفاوت زیادی در رتبه ایجاد خواهد کرد.

در جزوه خواهید دید که طراح سوال سالهای گذشته یک سوال به صورت "معنی این کلمه چیست؟" آورده است، که برای پاسخ‌گویی به این سوال حتی لازم نیست معنای یک جمله از متن را بدانید، اینگونه سوالات ۲۰٪ نمره‌ی شما را تشکیل می‌دهند که با مطالعه‌ی جزوه و بخش لغات پر تکرار سالهای گذشته و "حفظ" آنها، پاسخگویی بسیار ساده خواهد بود. گروه دوم سوالات، پرسش‌هایی است که از شما موضوع یا عنوان متن را می‌پرسد، که اغلب اوقات پاسخ آن در بند اول وجود دارد و یا در سراسر متن تکرار شده است و با دانش زبانی حداقلی می‌توان به آنها پاسخ داد، و ۴۰٪ نمره‌ی خود را تضمین کنید.

control regimes. Arms control **sought** to limit the risk or effects of naval warfare. Naval arms control refined the laws of naval warfare and prescribed conduct at sea by erecting "firewalls" that separated opposing fleets or by creating limitations on the **means** of naval warfare, such as the use of sea mines, or restrictions on the methods of naval warfare, such as the proscription against unrestricted submarine warfare. These rules were designed to maintain the peace or **prevent** the expansion of war at sea by controlling the types and numbers of warships, the types of permissible weapons, and how those weapons may be employed.

During the period between the two world wars, the Washington Treaty of 1922 fixed battleship ratios for all of the major maritime powers. While the **agreement** actually did slow the construction of capital warships, it also had the perverse effect of creating conditions and incentives to redirect naval ambitions into other systems, such as submarines, that were not explicitly controlled. The last major fleet engagement ended with the Battle of Leyte Gulf in October 23-26, 1944. The final naval battle of the war, the Battle of Okinawa in the spring of 1945, was the largest amphibious assault of the Pacific theater.

1- Which of the following would be the best title for the passage?

- 1) arms control during the cold war
- 2) The First Hague Conference
- 3) Armed Aggression at Sea
- 4) Law and Sea Power

جنگ دریایی بود. (رژیم) کنترل اسلحه دریایی حقوق جنگ دریایی را اصلاح کرد و عملیات در دریا را با ایجاد دیوار های آتشین که کشتی های دو طرف را جدا می کرد با با ایجاد محدودیت هایی روی **وسایل** جنگ دریایی همچون استفاده از مین های دریایی با با ایجاد محدودیت بر روش های جنگ دریایی مانند منع جنگ غیر مجاز یا زیردریایی چهارچوب بندی کرد. این قواعد برای این طراحی شده بودند که صلح را حفظ کنند یا از گسترش جنگ در دریا را به وسیله ی کنترل انواع و تعداد نواحی دریایی، انواع اسلحه ی مجاز و این که چگونه این سلاح ها می توانند مورد استفاده قرار گیرند **جلوگیری** کنند.

در طول مدت بین دو جنگ جهانی معاهده واشنگتن ۱۹۲۲ تعداد نواحی جنگی را برای همه قدرتهای نظامی دریایی ثابت نگه داشت هر چند این **معاهده** واقعاً سلخت کشتی های نظامی را کند کرد اما اثر نامرست ایجاد شرایط و مشوق هایی برای انحراف اهداف دریایی به دیگر سیستم ها مانند زیردریایی ها که صراحتاً تحت کنترل نبودند را داشت. آخرین درگیری کشتی های بزرگ با نبرد خلیج لیت در ۲۳ تا ۲۶ اکتبر ۱۹۴۴ پایان یافت. آخرین نبرد جنگ، نبرد اوکیناوا در بهار ۱۹۴۵ بزرگترین حمله خاکی و آبی در جبهه ی اقیانوس آرام بود.

۱- کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

- ۱) کنترل تسلیحات در طول جنگ سرد
- ۲) کنفرانس اول لاهه
- ۳) تهاجم مسلحانه در دریا
- ۴) حقوق و قدرت دریایی

25- Which of the following would be the best title for the passage?

- 1) International law
- 2) International Criminal Law
- 3) Criminal Law
- 4) Responsibilities of States

26- Which of the following statements is TRUE?

- 1) International criminal courts of law are universal.
- 2) The Tribunals for the former Yugoslavia resulted in evolution of international criminal law.
- 3) There is a high degree of uniformity in the relatively new body of international criminal law.
- 4) People for the first time began to realize the importance of international criminal law in the 1990s.

27- International criminal law developed from all of the following sources Except....?

- 1) crime of aggression with focus on inter-State conflict
- 2) crimes against humanity
- 3) war crimes
- 4) genocide

28- What does the word "their" in paragraph 2 refer to?

- 1) Individuals
- 2) Abuses
- 3) Human rights
- 4)

25- کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

- 1) حقوق بین الملل
- 2) حقوق بین الملل کیفری
- 3) حقوق کیفری
- 4) مسئولیت دولتها

26- کدام یک از گفته های زیر درست است؟

- 1) دادگاه های کیفری بین المللی جهانی هستند.
- 2) دادگاه برای یوگسلاوی سابق منجر به تکامل قوانین کیفری بین المللی شد.
- 3) یکپارچگی نسبتاً شدیدی در حقوق بین الملل کیفری وجود دارد.
- 4) مردم برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ شروع به درک اهمیت حقوق بین المللی کیفری کردند.

27- حقوق بین الملل کیفری از تمامی منابع زیر توسعه یافته است به جز: ....؟

- 1) جرم تجاوز با تمرکز بر درگیری های بین المللی
- 2) جنایات علیه بشریت
- 3) جنایات جنگی
- 4) قتل کثیفی

28- کلمه "الها" در بند دوم به چه معناست؟

- 1) افراد
- 2) سوء استفاده
- 3) حقوق بشر
- 4) افراد

different types of rules and regulations rather than as denoting a conceptually coherent single form of law. It is different from "the law of contract" or "the law of delict" where "the law" elaborates a series of concepts within a phylum. "Space law" is akin to "family law" or "environmental law" where many different laws are denoted by reference to the material with which they deal rather than being derived from the pure rational development of a single legal concept. "Space law is the Law of Space, and can range from the terms of an insurance contract in respect of a particular space launch to the broadest of principles that govern how states act in outer space. Some "space law" is therefore simply the application of the principles of existing domestic law such as contract to a new field of activity. "Space law" is particulate law, developed to deal with the practical problems of the use and exploration of outer space.

Space law is recent law. The developments in technology of the last hundred and forty years have required the law to respond. More properly law never seeks to regulate technology, but rather aims to place order in the competing human interests that result from that technology. Regulation has had to be invented, adopted and implemented, and appropriate procedures developed. The process has not always kept the law up to date with developments in technology, and this flaw remains in space law. Because technical advances have blurred state boundaries and in practice eroded many sovereign competences, international agreement has become necessary

19- Which question is the first paragraph concerned with?

آنها "حقوق" مجموعه ای از مفاهیم را در یک موضوع مشخص می کند. "حقوق فضایی" شبیه به "حقوق خانواده" یا "حقوق محیط زیست" است که در آن بسیاری از قوانین مختلف با اشاره به موضوعی که با آن برخورد می کنند مشخص می شود، به جای اینکه از تکامل منطقی یک مفهوم حقوقی به تنهایی حاصل شود، "حقوق فضایی" حقوق فضا است و می تواند از شرایط قرارداد بیمه در رابطه با یک پرتاب فضایی خالص تا وسیع ترین اصولی که حاکم بر رفتار دولت ها در فضای بیرونی است، باشد. بنابراین بخشی از "حقوق فضا" به سانگی به کارگیری اصول حقوق داخلی موجود مانند [حقوق] قرارداد به یک زمینه جدید فعالیت است. "حقوق فضا" حقوق جزئی است که برای مقابله با مشکلات عملی استفاده و کنش فضای بیرونی توسعه یافته است.

حقوق فضایی حقوق جدیدی است. تحولات تکنولوژی در صد و چهل سال گذشته، حقوق را نیازمند پاسخ کرده اند. به عبارت بهتر حقوق هرگز به دنبال تنظیم تکنولوژی نیست، بلکه هدف آن قرار دادن نظم در رقابت منافع انسانی است که از تکنولوژی حاصل می شود. مقررات باید اختراع تصویب و اجرا می شده و رویه های مناسب توسعه می یافته است. این فرایند همیشه حقوق را یا به پای پیشرفت های تکنولوژی حفظ کرده است و این نقص در حقوق فضایی باقی می ماند. از آنجایی که پیشرفت های فنی محدودیت های دولتی را محو کرده و در عمل بسیاری از اختیارات ناشی از حاکمیت را از بین برده است، توافق بین المللی ضروری است.

19- بند اول درباره ی کدام سوال است؟

[1 ماهیت حقوق فضایی چیست؟]

2- According to the passage, armed attack in the maritime domain is likely to involve using all of the following EXCEPT..... ?

- 1) missiles
- 2) surface combats
- 3) sea mines
- 4) submarine platforms

3- What were the main goals of designing naval arms control rules?

- 1) Limiting the growth of submarines supervising the production of missiles
- 2) Maintaining peace and prevention of further growth of war at sea
- 3) Restricting naval warfare and promoting good behavior at sea
- 4) Prescribing good manners at sea and establishing firewalls

4- What does the word "proscription" in paragraph 1 mean?

- 1) Prosecution
- 2) Provocation
- 3) Prohibition
- 4) Proliferation

5- What does the word "it" in paragraph 2 refer to?

- 1) Agreement
- 2) Effect
- 3) Construction
- 4) Battleship

۲- با توجه به متن، حمله مسلحانه در حوزه دریایی احتمالاً شامل استفاده از تمامی موارد ذیل است به جز.....؟

- ۱) موشک ها (۲) بمب‌های سطح دریا (۳) مین های دریایی
- ۴) سیستم های زیردریایی

۳- اهداف اصلی طراحی قوانین کنترل اسلحه نیروی دریایی چیست؟

- ۱) محدود کردن رشد زیردریایی های نظارت بر تولید موشک
- ۲) حفظ صلح و جلوگیری از رشد بیشتر جنگ در دریا
- ۳) محدود کردن جنگ دریایی و ارتقای رفتار خوب در دریا
- ۴) مقرر کردن رفتار مناسب در دریا و ایجاد فایروال

۴- منظور از کلمه "ممنوعیت" در بند ۱ چیست؟

- ۱) دانستن (۲) استقرار (۳) ممنوعیت (۴) ترویج

۵- کلمه ی این در بند دوم به چه چیزی اشاره دارد؟

- ۱) معاهده (۲) اثر (۳) ساخت (۴) دوجنگی

۶- طرز برخورد نویسنده با معاهده‌ی واشنگتن چیست؟

**Abet (v):** assist, aid, help, support, back, encourage second, endorse, sanction, promote, incite, champion, further, expedite بر شریک جرم کسی شدن، بر انگیزتن کسی

**Abridge (v):** shorten, cut, curtail, truncate, trim, crop, clip, prune, abbreviate, condense, contract, compress, reduce, decrease, shrink, summarize, abstract, précis, synopsis, epitomize, shortened, cut, concise, condensed, abbreviated, summary, outline, thumbnail, bowdlerized, censored, expurgated خلاصه کردن، کوتاه کردن محروم کردن

**Accelerate (n, v):** سرعت بخشیدن، کاتالیزور، شتاب دادن

**Accession (n):** addition, acquisition, new item, gift, purchase رسیدن، تمکبابی، رضایت، توافق

**Acclaim (v, n):** praise, applaud, cheer, commend, approve, welcome, eulogize, compliment, celebrate, lionize, exalt, admire, hail, extol, honor, hymn, ballyhoo, laud, celebrated, admired, lionized, honored, esteemed, exalted, well-thought-of, acknowledged, eminent, great, renowned, distinguished, prestigious, illustrious, preeminent

تحسین، تشویق، ابراز احساسات

**Accomplish (v):** fulfill, achieve, realize, attain, manage, execute, effect, perform, do, discharge, complete, finish, consummate, conclude, nail, effectuate انجام دادن، به نتیجه رساندن، به اتمام رساندن

**Accuse (v):** charge with, indict for, arraign for, summons for, cite for, prefer charges against for, impeach for متهم کردن، نسبت دادن، مقصر دانستن

**Adherence (n):** attachment or commitment to a person, cause, or belief

تبعیت چسبندگی طرفداری پیوستگی چسبندگی الصاق هواخواهی دوستداری

**Adjacent (adj):** adjoining, neighboring, next-door, abutting, contiguous, proximate جنب، نزدیک به هم، مجاور، همسایه

**Advent (n, adj):** arrival, appearance, emergence, materialization, occurrence, dawn, birth, rise, development, approach, coming ظهور، پیدایش، ورود، ظهور مجدد مسیح

**Adverse (adj):** unfavorable, disadvantageous, inauspicious, unpropitious, unfortunate, unlucky, untimely, untoward, harmful, dangerous, injurious, detrimental, hurtful, negative, deleterious, hostile, unfavorable, antagonistic, unfriendly, ill-disposed, negative نامطلوب، نا مساعد، مخالف، مقابل

**Castigate (v):** reprimand, rebuke, admonish, chastise, chide, censure, upbraid, reprove, reproach, scold, berate, lambaste  
تنبيه کردن، ادب کردن، سرزنش کردن

**Chagrin (n, v):** annoyance, irritation, vexation, exasperation, displeasure, dissatisfaction, discontent, anger, rage, fury, wrath, indignation, resentment, embarrassment, mortification, humiliation, shame  
تاسف، تائر، آزردهنگی، مأیوس کننده

**Challenge (n, v):** dare, provocation, summons  
چالش، مخالفت کردن، به مبارزه دعوت کردن

**Chaos (n):** disorder, disarray, disorganization, confusion, mayhem, bedlam, pandemonium, havoc, turmoil, tumult, commotion, disruption, upheaval, uproar, maelstrom, muddle, mess, shambles, free-for-all, anarchy, lawlessness, entropy, hullabaloo, hoopla  
آشوب، هرج و مرج، نا آرامی، اغتشاش

**Circumscribe (v):** restrict, limit, curb, confine, restrain, regulate, control  
محدود کردن، مقید کردن

**Circumstances (n):** situation, conditions, position, events, incidents, occurrences, happenings, factors, context, background, environment  
شرایط، اوضاع، علل، اتفاق، حادثه، رویداد

**Cogent (adj):** situation, conditions, position, events, incidents, occurrences, happenings, factors, context, background, environment  
مقاعد کننده، مجاب کننده، مستدل

**Coincide (v):** concur, coexist  
منطبق بودن، همزمان بودن، سازگار بودن

**Collapse (v, n):** subside, crumple, buckle, sag, slump  
سقوط، ریزش، خراب شدن، از حال رفتن

**Commence (v):** begin, start, open, initiate, inaugurate  
شروع کردن، آغاز کردن، شروع شدن

**Compel (v):** force, pressure, press, push, urge, dragoon, browbeat, bully, intimidate, strong-arm, oblige, require, make, exact, extort, demand, force, necessitate  
مجبور کردن، وادار کردن، تحمیل کردن

**Compensatory (adj):** کمبود، نقص، نارسایی، کسری

**Compliance (n):** اطاعت، پیروی، موافقت، تسلیم، رضایت

**Comply (v):** observe, obey, follow, respect, satisfy, fulfill  
اطاعت کردن، پیروی کردن

**Conceive (v):** devise, formulate, design, originate, create, develop, hatch  
تصور کردن، باور کردن، طراحی کردن

**Conciliation (n):** دلجویی، آشتی، میانجی گری، رفع اختلاف

**Condemn (v):** censure, criticize, denounce, revile, blame, chastise, berate, reprimand, rebuke, reprove, slam, blast, castigate  
محکوم کردن، سرزنش کردن، لو دادن

	1	2	3	4
1				■
2		■		
3				
4			■	
5	■			
6				■
7	■			
8			■	
9		■		
10				
11			■	
12				■
13		■		
14	■			
15			■	
16		■		
17				
18			■	
19	■			
20				■
21		■		
22			■	
23	■			
24			■	
25		■		
26				
27	■			
28				■
29	■			
30			■	
31	■			
32			■	
33				
34		■		
35			■	
36	■			
37		■		
38				
39				■
40			■	
41	■			
42				■
43	■			
44			■	
45		■		

	1	2	3	4
01	■			
02		■		
03				■
04			■	
05				■
06			■	
07				■
08		■		
09			■	
10				
11			■	
12				■
13		■		
14	■			
15			■	
16		■		
17				
18			■	
19	■			
20				■
21		■		
22			■	
23	■			
24			■	
25		■		
26				
27	■			
28				■
29	■			
30			■	
31	■			
32			■	
33				
34		■		
35			■	
36	■			
37		■		
38				
39				■
40			■	
41	■			
42				■
43	■			
44			■	
45		■		

	1	2	3	4
1.1			■	
1.2				■
1.3		■		
1.4			■	
1.5		■		
1.6			■	
1.7		■		
1.8			■	
1.9		■		
1.10				
1.11			■	
1.12				■
1.13		■		
1.14			■	
1.15				■
1.16				■
1.17				
1.18			■	
1.19		■		
1.20				■
1.21			■	
1.22				■
1.23		■		
1.24			■	
1.25		■		
1.26				
1.27			■	
1.28				■
1.29		■		
1.30				■
1.31		■		
1.32				■
1.33				
1.34			■	
1.35				■
1.36		■		
1.37			■	
1.38				
1.39		■		
1.40			■	
1.41				■
1.42			■	
1.43				■
1.44			■	
1.45		■		

	1	2	3	4
101				■
102		■		
103				■
104			■	
105				■
106			■	
107				■
108		■		
109			■	
110				
111			■	
112				■
113		■		
114			■	
115				■
116				■
117				
118			■	
119		■		
120				■
121			■	
122				■
123		■		
124			■	
125		■		
126				
127			■	
128				■
129		■		
130				■
131		■		
132				■
133				
134			■	
135				■
136		■		
137			■	
138				
139		■		
140			■	
141				■
142			■	
143				■
144			■	
145		■		



**برای دانلود نسخه ی کامل جزوه به سایت مراجعه کنید**

[www.rotbeh-bartarha.ir](http://www.rotbeh-bartarha.ir)